

عنوان مقاله:

خدا و معمای فلسفه ی نقدی

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه، دوره 8، شماره 1 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسنده:

اصغر واعظی - استادیار دانشگاه شهیدبهبشتی

خلاصه مقاله:

کانت در نقد عقل محض بر این موضع پافشاری کرد که فهم بشری تنها قادر به شناخت پدیدارهاست اما در نقد عقل عملی، واقعیت عینی خدا، اختیار و جاودانگی نفس را اثبات می کند. در نگاه نخست به نظر می رسد که نتیجه دو نقد در تعارض با یکدیگر است و کانت خود، از این مشکل به معمای فلسفه نقدی تعبیر کرده است. او ضمن طرح و حل مسئله، تصریح می کند که «ایده آلیسم استعلایی پدیدارها» و «فرض جهان معقول» دو رکن اساسی فلسفه ای واحد را تشکیل می دهند. براین اساس، او در نقد دوم پس از آنکه خدا را به مثابه یکی از مقتضیات عقل عملی اثبات می کند، فاهمه، اراده و آفرینندگی را به عنوان سه تعین بنیادین به خدا نسبت می دهد و در ادامه، این سه تعین بنیادین را با یک تعین بنیادین دیگر یعنی خودانگیختگی مرتبط می داند. کانت معتقد است که انتساب این تعینات به خدا و اثبات وجود او، مغایر با نتایج نقد اول نیست و برای رفع تعارض گاه به روش تمثیل متوسل می شود و گاه به کاربرد متفاوت مقولات در نقد اول و دوم. اما به نظر می رسد کانت با توسل به این شیوه ها نمی تواند مشکل تعارض میان دو نقد را مرتفع سازد.

کلمات کلیدی:

نقد عقل محض، فهم بشری، معمای فلسفه نقدی، فرض جهان معقول، فاهمه، خودانگیختگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1796297>

